

دیوک الینگتن

شخصیت بزرگ موسیقی جاز آمریکا در ایران

نبوغ خلاقه « دیوک الینگتن » یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت موسیقی جاز در امریکاست. پیش از تجلی استعداد شگرف او موسیقی جاز وسیله بیان خود بخود احساس موسیقی سیاهپوستان جنوب آمریکا بود. « دیوک الینگتن » برای نخستین بار عوامل گوناگون موسیقی سیاهپوستان را درهم آمیخت و بدین ترتیب از میان زمزمه‌ها و ترانه‌ها موسیقی جدیدی را پایه گذاشت تا حدی که این موسیقی در گسترش کنونی خود دارای اپرا نیز شده است.

پایان جنگ داخلی آمریکا که در واقع پایان اسارت و بردگی سیاهان و آغاز آزادی آنان بود انگیزه بزرگی برای ایجاد ارکسترهای سیاهان گردید. سیاهان موقعیکه کنار هم یک مارش و یا تصنیف و یا ترانه‌ای را می‌نواختند بطور ناخودآگاه تمام تأثیراتی را که در وجود خود احساس میکردند. در موسیقی سیاهان فرهنگهای مختلف افریقا و اروپا در زمینه فرهنگ آمریکا باهم آمیخته و بیانی غریب و زیبا یافته بود و کلمه جاز در اواخر قرن نوزدهم بدان اطلاق شد. ریشه این کلمه نامعلوم است.

گرچه هیچ شهری نمی‌تواند بدرستی ادعا کند که زادگاه جاز بوده است ولی باید گفت که نیو اورلئانس در همان سالهای نخستین پیدایش جاز پررونق‌ترین مرکز آن بود و در همین شهر بود که نام «جاز» به این موسیقی داده شد.

جاز اولیه

جاز اولیه را کرچه با سازهای موسیقی می نواختند ولی بیشتر جنبه آواز داشت پس از آنکه موسیقی دان های جاز مهارت بیشتری کسب کردند - موسیقی جاز از نیواورلئانس دامنه خود را به سوی شمال و شرق و غرب گسترش داد و بتدریج در سیر تحولی خود جنبه سازی بخود گرفت.

در وسطهای نیمه اول قرن بیستم نوازندگان هنرمندی بوجود آمدند و هنگامی که آنها در ارکسترهای موسوم به «سوینگ» دور هم جمع شدند احساس کردند که بوجود شخص تنظیم کننده ای احتیاج دارند. وظیفه تنظیم کننده این بود که موسیقی دسته ارکستر جاز را طوری بنویسد که تمام سازها بدون آنکه روح آزاد جاز را از دست دهند در هم بیامیزند و هماهنگی و وحدت یابند.

ولی موسیقی جاز خواه توسط موسیقی دان های تعلیم ندیده نواخته شود و خواه توسط هنرمندان بسیار ورزیده سالهای اخیر ساخته و پرداخته گردد در اصل همیشه جنبه ابتکاری و ابداعی دارد و در واقع يك موسیقی ارتجالی است. هنگام نواختن موسیقی جاز بمقتضای حال در آن تغییراتی داده می شود زیرا پایه آن بر اساس مبارله خلاقه «فراز» های بالبداهه است. هنگام نواختن يك قطعه یکی از اعضاء ارکستر ناکهان يك «فراز» کوچک پیدا می کند این فراز کوچک را به ابتکار خود وارد موسیقی ارکستر می کند. عضوی دیگر این «فراز» را می گیرد و آن را گسترش میدهد و سپس فراز گسترش یافته که در نتیجه همکاری تمام



اعضاء ارکستر بصورت يك ترانه درآمده است از آن دسته ارکستر می گیرد و خود

بخود در جریان نواختن ساخته و پرداخته می‌شود و سپس از آن گروه به گروه‌های دیگر انتقال می‌یابد باین ترتیب زبان موسیقی جاز گسترش پیدا می‌کند.

از «دیکسیلند» تا جاز مدرن

موسیقی جاز می‌توانست بالاخره در هر شرایطی به تحول تدریجی و محلی خود ادامه دهد ولی پیدایش ضبط صوت و رادیو برای آن میدانی ساخت که در آن حدود جغرافیائی ارزش خود را از دست داد. موسیقی جاز از طریق رادیو و صفحات مختلف و ضبط صوت بسرعت عجیبی توسعه یافت و همه جا را تسخیر کرد و در نیمه‌های قرن قدم در اقلیم موسیقی کنسرت گذاشت.

فرق بین موسیقی « نیواورلئانس » و یا دیکسیلند و جاز مدرن را بطرق مختلف میتوان شرح داد ولی بزرگترین فرق این دو موسیقی آن است که موسیقی جاز قدیم زائیده ابتکار مطلق هنگام اجرای قطعات مختلف بود در صورتیکه جاز مدرن هم قبل از اجرا بصورت نوشته درمی‌آید و هم هنگام اجرا در آن ابتکار هائی صورت می‌گیرد. سبک موسیقی جاز قدیم به موسیقی عوام نزدیک است و در واقع بیان پاک و خود بخود موسیقی دانهائی تعلیم ندیده است. اما جاز مدرن فوق‌العاده درهم و اغلب تجربی و عملی است و حتی گاهی قبل از اجرا بطور کامل نوشته می‌شود و در موقع اجرا کوچکترین ابتکاری در آن صورت نمی‌گیرد و فقط تک‌نواها گاهی ابتکارهای کوچک می‌کنند که آن نیز در خود ارکستر بکلی مستحیل می‌گردد.

در میان موسیقی‌دان‌هائی که هم‌اکنون به سبک قدیم یا شیوه نیواورلئانس کار میکنند میتوان نام اشخاص معروفی چون « لویز آرمسترانگ » ، « ادی کندن » و « چک‌تی کاردن » را برد. از رهبران جاز مدرن می‌توان به نام اشخاصی چون « بنی گودمن » ، « دیو برویک » و « دیوک الینگتن » اشاره کرد.

تنظیم‌کننده آهنگ

شهرت فوق‌العاده الینگتن بیشتر بدلیل قدرت او در تنظیم آهنگهاست. الینگتن که جاز را کور رنکهای آهنگ می‌داند به ضرب موزون قدیمی وفادار مانده است ولی او بتأثیرات تارهای غنی و سازهای دسته‌جمعی پرشور که از میان صداهای خیال-انگیز سازها برمی‌خیزد اهمیت بسیاری قائل است.

الینگتن برای اینکه به این نتیجه برسد نه فقط موسیقی‌دان‌های خود را با در نظر گرفتن هماهنگ بودن آنها با بافت موسیقی خود انتخاب کرد بلکه شروع بنوشتن ملودیا و بعضی از قسمتهای سازی نمود. الینگتن که ارکستر خود را بهمان طریقه‌ای که یک نوازنده سولو از ساز خود استفاده می‌کرد بکار وادی داشت از حدود کار تنظیم

کننده آهنگ پارافراتر گذاشت و بدین ترتیب آهنگساز ورهبر شد.

در سال ۱۹۴۰ دیوک الینگتن کنسرت‌های سالانه خود را در «کارنکی هال» واقع در شهر نیویورک آغاز کرد و در همین تالار بود که چند اثر طولانی خود را معرفی کرد. در سالهای بعد از ۱۹۵۰ شهرت او بیشتر گردید او همیشه مشغول کنسرت دادن، تنظیم رقص، ضبط موسیقی و اجرای قطعات خود در فستیوال‌های موسیقی بود. الینگتن هنگامی به اوج هنرنمایی و قدرت خود رسید که در سال ۱۹۵۸ «الافیتزجرالد» خواننده معروف جاز شروع بپیرکردن صفحات خود نمود.

در همان سال و سال بعد الینگتن بارگستر خود سفری به اروپا کرد و از آن موقع تا حال الینگتن همیشه در خارج از آمریکا برنامه‌هایی داشته است.

سفری که دیوک الینگتن به ایران کرد نخستین سفر او به خاورمیانه است. او در حدود چهارده هفته در منطقه خاورمیانه خواهد بود و در ۱۳ کشور این منطقه و کشورهای نزدیک بخاورمیانه کنسرت خواهد داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی